

ما می‌گوییم:

درباره اصل دلیل مرحوم آخوند نکاتی قابل طرح است.

مرحوم آخوند می‌فرمود: دلیل اینکه تجری باعث استحقاق عقاب می‌شود، «شهادت وجدان» است و سپس اضافه کرد که همین وجدان است که معلوم می‌کند چه چیزی عصیان است و چه چیزی اطاعت است و در نتیجه کدام کار عقاب دارد (نتیجه عصیان) و کدام کار ثواب دارد (نتیجه اطاعت)

اما به نظر می‌رسد باید این بحث را بررسی بیشتری کرد:

عصیان و اطاعت، عبارت است از مطابقت (از روی توجه) مآتی به با مأمور به وعدم مطابقت مآتی به با مأمور به (یا: منهی عنه)



به این معنی که اگر عملی مطابق با دستور شارع بود، از این مطابقت (که با توجه واقع شده است) اطاعت انتزاع می‌شود و اگر مطابق نبود (و این عدم تطابق با توجه واقع شده بود)، از عدم مطابقت عصیان انتزاع می‌شود و تا اینجا اصلاً عقل مداخلیتی ندارد.

اما اگر عصیان حاصل شد، عبد مستحق عقاب می‌شود، ممکن بگوییم عقل، عبد را مستحق عقاب می‌داند (و ممکن است بگوییم در همین صورت هم عقل حکم به استحقاق نمی‌کند بلکه صرفاً شارع گفته است که عقاب خواهد کرد).

اما در همین صورت اینکه این عقاب به سبب قبح فعلی (عمل قبیح) است و یا به سبب قبح فاعلی (سوء سریره و عزم بر معصیت) است، هیچ ربطی به حکم عقل ندارد و عقل در چنین صورتی تعیین نمی‌کند که علت استحقاق عقاب کدام یک از این دو است و اینکه مرحوم آخوند در این صورت، جازمانه می‌فرماید از نظر عقل علت استحقاق، قبح فاعلی است، قابل قبول نیست (و الشاهد علی ذلک آنکه مرحوم شیخ، که از اعظم عقلا بوده است، حکم آخوند را نمی‌پذیرد).

حال وقتی در مورد معصیت معلوم نیست که علت استحقاق عقاب کدام است، نمی‌توان در مورد تجرّی هم گفت که عقلاً استحقاق عقاب موجود است. چرا که اگر علت استحقاق عقاب، قبح فاعلی بوده است، در تجرّی هم موجود است و الا فلا.

و به همین جهت است که به نظر می‌رسد می‌توان گفت:

عقل اگر حاکم باشد، اصل ترتب استحقاق عقاب بر معصیت (قبح فعلی + قبح فاعلی) را ثابت می‌کند ولی اینکه این استحقاق به سبب کدام جزء معصیت است را معلوم نمی‌کند و لذا نمی‌توان گفت در تجرّی (که قبح فعلی موجود نیست ولی قبح فاعلی موجود است) استحقاق عقاب ثابت است.

اللهم الا ان یقال: گفته‌ایم که عقل تنها در جایی حکم می‌کند که موضوع خود را به خوبی بشناسد و لذا امکان ندارد عقل به چیزی حکم کند و نداند که حکم مربوط به چه عامل و چه علتی است.

و لذا باید پذیرفت که اگر گفتیم «اصل استحقاق عقاب بر معصیت» توسط عقل ثابت شود، باید بپذیریم که عقل علت استحقاق عقاب را هم می‌شناسد (که به ادعای مرحوم آخوند، همان قبح فاعلی است).

ولی اگر گفتیم عقل صرفاً ترتب عقاب بر معصیت را ممکن می‌داند، این شارع است که این ترتب را قطعی دانسته است (و هو الحق^۱)، در این صورت برای فهم اینکه بدانیم چه عاملی (قبح فاعلی یا قبح فعلی) باعث استحقاق

^۱ . ن ک: به آنچه در ذیل بحث قبل و در ذیل مباحث منتقی الاصول آوردیم.



می‌شود، باید به سراغ شخص شارع رفت و از او حقیقت امر را جویا شد. و لذا راهی جز اصول به ادله شرعی نداریم.

دلیل پنجم: دلیل عقلی

۱. مرحوم شیخ -چنانکه خواندیم- به یک دلیل به عنوان دلیل عقل اشاره کرده بود:

«و قد یقرر دلالة العقل علی ذلك بأننا إذا فرضنا شخصین قاطعین بأن قطع أحدهما بكون مائع معین خمرا و قطع الآخر بكون مائع آخر خمرا فشرباهما فاتفق مصادفة أحدهما للواقع و مخالفة الآخر فإما أن يستحقا العقاب أو لا يستحقه أحدهما أو يستحقه من صادف قطعه الواقع دون الآخر أو العکس لا سبیل إلى الثانی و الرابع و الثالث مستلزم لإناطة استحقاق العقاب بما هو خارج عن الاختیار و هو مناف لما يقتضیه العدل فتعین الأول.»^۱



۱. فرائد الاصول، ج ۱، ص ۹